



Upgrading Slum Textures of Bushehr city (An Application of CDS Approach)

Rozita Moayedfar ^{1*}, Zahra Jamshidian ², Shekoofeh Farahmand ³

¹ Assistant Professor, Economic Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran

² MA in Economics, Economic Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran

³ Associate Professor, Economic Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract: Slum textures are one of the inevitable consequences of city expansion, which can be the source of many undesirable economic, social and structural problems. Choosing an appropriate urban management strategy can play a crucial role in improving urban structure in its different areas including the slums. The aim of this research is to determine the priorities in upgrading the slum texture of Bushehr city with an emphasis on the level of livability and urban good governance, using AHP method. Therefore, according to experts opinions the priorities of livability and urban good governance sub-indicators and the priorities of slum texture neighborhoods for upgrading were determined. The sampling method was non-random and purposive. According to the results, in the slum neighborhoods, sub-indicators of livability including health, quality of economic indicators (job satisfaction and income level) and the sub-indicators of urban good governance including the rule of law and corruption control are in priority, respectively. The priority of the seven slum neighborhoods of Bushehr for upgrading is respectively as follows: The Third Tangak, The Second Tangak, The First Tangak, Saretol, Rayani, Rishahr and Emamzadeh.

Key Words: Slum Texture, City Development Strategy, Livability, Urban Good.

ساماندهی بافت غیررسمی شهر بوشهر با رویکرد استراتژی توسعه شهری

رزیتا مؤیدفر^{۱*}، زهرا جمشیدیان^۲، شکوفه فرهمند^۳

۱- استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲- کارشناس ارشد اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳- دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۶

چکیده

اسکان غیررسمی یکی از پیامدهای گسترش شهرها است که پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به همراه دارد. انتخاب روش مناسب مدیریت شهری برای بهبود شرایط بافت آن، امر مهمی است. هدف اصلی این پژوهش، تعیین اولویت‌ها در ساماندهی بافت غیررسمی شهر بوشهر، با تأکید بر قابلیت زندگی و حکمرانی خوب شهری، با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی است؛ بنابراین، با کسب نظر کارشناسان، اولویت زیرشاخص‌های قابلیت زندگی و حکمرانی خوب و همچنین، اولویت محله‌های بافت غیررسمی برای ساماندهی تعیین شدند. روش نمونه‌گیری در این حالت، روش غیرتصادفی و از نوع نمونه‌گیری هدفمند است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند مهم‌ترین زیرشاخص‌های قابلیت زندگی در بافت غیررسمی شهر بوشهر، به ترتیب اولویت رسیدگی، عبارت‌اند از زیرشاخص‌های سلامت و کیفیت مؤلفه‌های اقتصادی (رضایت از شغل و سطح درآمد) و مهم‌ترین زیرشاخص‌های حکمرانی خوب در بافت غیررسمی شهر بوشهر، به ترتیب اولویت رسیدگی، عبارت‌اند از زیرشاخص‌های حاکمیت قانون و کنترل فساد. همچنین، محله‌های تنگک سوم، تنگک دوم و تنگک اول به ترتیب در اولویت رسیدگی‌اند.

واژه‌های کلیدی: بافت غیررسمی، استراتژی توسعه شهری، قابلیت زندگی، حکمرانی خوب شهری.

مقدمه

به دنبال رشد فزاینده جمعیت شهرنشین، آمادگی نداشتن مناطق شهری برای پاسخگویی به نیازهای جامعه و نداشتن توان پذیرش معقول در محدوده قانونی، مشکلات جدی اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی را برای شهرها ایجاد کرده است که یکی از آثار و پیامدهای آن، اسکان غیررسمی است. فقر، توزیع و تمرکز نابرابر ثروت در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت گسترده جمعیت از حواشی فقر به سوی مراکز ثروت را به منظور برخورداری از فرصت‌های اشتغال، درآمد، خدمات بیشتر و امید به آینده‌ای بهتر سبب شده است که به دلیل نداشتن توان جذب اقتصادی در متن و زندگی در فضای داخلی شهرها، در حواشی و اطراف آن به صورت غیررسمی اسکان یافته‌اند (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۸: ۲).

گسترش شهرنشینی در ایران بیش از سرعت رشد اقتصادی، توسعه زیرساخت‌های شهری و خدمات مورد نیاز شهروندان مانند مسکن، بهداشت، آموزش و اشتغال بوده و طبیعی است پیامدهای بسیاری از جمله امکان گسترش مناطق حاشیه، اسکان از طریق ساخت و سازهای غیرمجاز و بافت‌های شهری ناهمگون و آشفته شکل گیرد (نقدهی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). در ایران، نخستین شکل حاشیه‌نشینی در تهران ظاهر شد؛ اما فقط به تهران محدود نماند و شهرهای دیگر به فراخور تغییرات اقتصادی و اجتماعی، درگیر ظهور حاشیه‌نشینی شدند؛ به طوری که امروزه همه شهرهای ایران چنین الگوی سکونتی را دارند (همان: ۳۶). یکی از این شهرها، بوشهر است که رشد سریع شهری را طی دهه‌های اخیر گذرانده است.

طبق نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، شهر بوشهر، جمعیتی معادل ۱۹۵۲۶۳ نفر در نقاط

شهری دارد که تعداد ۲۹۷۹۸ نفر در بافت غیررسمی^۱ به سر می‌برند. بافت غیررسمی شهر بوشهر شامل محله‌های هفتگانه تنگک اول، دوم، سوم، امامزاده، ریشهر، رایانی و سرتل هستند که به دلیل جمعیت زیاد و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی سکنة آن، یکی از معضلات شهر بوشهر محسوب می‌شود. از جمله مشکلات موجود در این مناطق، مشکل دفع و جمع‌آوری فاضلاب و جمع‌آوری و دفن زباله، نداشتن خدمات شهری نظیر خدمات آتش‌نشانی، بانکی، گستردگی فعالیت‌های اقتصادی کاذب، پایین بودن کیفیت و کمیت خدمات زیربنایی شهری نظیر آب، برق، گاز و تلفن، نداشتن فضای آموزشی و درمانی مناسب، نامناسب بودن شبکه دسترسی و معابر عمومی است (وزارت راه و شهرسازی استان بوشهر، ۱۳۸۶: ۲۴۹).

این مجموعه به دلیل استقرار تعداد زیادی از شهروندان در آن، نداشتن خدمات شهری مناسب، کیفیت پایین زندگی، مشکلاتی همچون سیما و بافت نامناسب و ناموزون، نبود امنیت و ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی - روانی، ضعف زیرساخت‌ها، دشواری‌های دسترسی، مشکلات فرهنگی و تعارض با ساختار کل شهر، یکی از چالش‌های اساسی شهرنشینی پایدار به حساب می‌آید که در صورت بی‌توجهی و درک نکردن ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی این بافت و اتخاذکردن شیوه‌های مدیریتی کارا، در آینده چالشی عمده بر سر راه توسعه پایدار شهری خواهد بود.

در برخورد با این پدیده، سیاست‌های متفاوتی در کشورهای گوناگون به کار گرفته شده است؛ از

تاخر محله‌های مشمول بافت غیررسمی در شهر بوشهر نسبت به یکدیگر دنبال می‌کند که بر مبنای دو رکن اصلی رهیافت استراتژی توسعه شهری، یعنی ارکان قابلیت زندگی^۲ و حکمرانی خوب شهری^۳ است.

این پژوهش، اولویت‌های ساماندهی بافت غیررسمی شهر بوشهر را تعیین می‌کند که یک موضوع برنامه‌ریزی شهری و در قلمرو علم اقتصاد شهری است و همچنین، یک نمونه کاربردی از به‌کارگیری دو رکن قابلیت زندگی و حکمرانی خوب شهری از ارکان استراتژی توسعه شهری در بافت غیررسمی شهر بوشهر است که برای نخستین بار به آن توجه شده است؛ از این رو، هدف اصلی پژوهش «تعیین زیرشاخص‌هایی از ارکان قابلیت زندگی و حکمرانی خوب شهری» است که مدیران شهری باید آن را در اولویت رسیدگی در بافت غیررسمی شهر بوشهر قرار دهند. براساس این، مقاله حاضر در چهار بخش تنظیم شده است:

۱- مفاهیم، دیدگاه‌ها، مبانی نظری و پیشینه پژوهش،
 ۲- روش پژوهش، ۳- بحث و ارائه یافته‌ها و
 ۴- نتیجه‌گیری.

مفاهیم، دیدگاه‌ها، مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مهاجرت گسترده و انبساط بی‌رویه شهرها در ایران، به دنبال افزایش درآمد نفت و اصلاحات ارضی طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، مسائل و معضلاتی را با خود به همراه داشته است که در این میان، حاشیه‌نشینی و بافت غیررسمی به‌منزله آینه تمام‌نمای مسائل اجتماعی رخ نمایانده است. «اسکان غیررسمی به معنای اعم، شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر

سیاست ورود ممنوع تا بازگرداندن اجباری یا تشویقی مهاجران به وطن خود، تارهیافت چشم‌پوشی و درنهایت به رسمیت‌شناختن آن. در کشور ما نیز در چند دهه گذشته، راهکارها و الگوهای برنامه‌ریزی شهری با ماهیتی برون‌زا و عموماً مبتنی بر تجارب غرب، یکی پس از دیگری تجربه شد؛ الگوهای همچون طرح توسعه شهری در سطوح مختلف که در اجرا نسبت به بافت محلی شهرها بی‌توجه بوده و کمتر به بافت غیررسمی و فقیرنشین پرداخته است و بیشتر پیشنهادات و سیاست‌ها براساس متوسط جامعه ارائه شده‌اند که گاه بسیار از واقعیت‌های موجود دور هستند (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۷۴).

از این رو، به‌منظور حل چنین مشکلاتی در برنامه‌ریزی شهری، به‌ویژه در بافت غیررسمی، به برنامه‌ریزی جدید و اتخاذ تدابیر مناسب نیاز است که به نظر می‌رسد استفاده از استراتژی توسعه شهری^۱ به‌دلیل داشتن اهدافی مانند کاهش فقر شهری، رشد عادلانه، تقویت رقابت اقتصادی شهر، مدیریت و حاکمیت شهری بهبودیافته، افزایش میزان مشارکت‌های واقعی شهروندان و فرصت برابر برای بهره‌مندی از زندگی اقتصادی و سیاسی، اشتغال‌فزاينده و بهبود شرایط سکونت، به‌ویژه در بافت غیررسمی که با جنبه‌های مختلف مشکلات زیست‌محیطی، فرهنگی، اجتماعی، فقر، بیکاری و ... مواجه‌اند، می‌تواند بخشی از مشکلات موجود در بافت غیررسمی را حل و مسیر رسیدن به توسعه پایدار را فراهم کند.

در این پژوهش، ساماندهی بافت غیررسمی شهر بوشهر، مسئله محوری پژوهش است و در این راستا، تعیین اولویت شاخص‌ها را به‌منظور بهبود وضعیت سکونت شهری در این سکونتگاه‌ها و تعیین تقدم و

2. Livability
 3. Urban Good Governance

1. City Development Strategy

توجه خاصی به این مسئله داشته باشند؛ بنابراین، مؤسسه‌های ویژه‌ای برای حل مسکن کم‌درآمدها ایجاد شد و برنامه خانه‌سازی اجتماعی یا به عبارتی ساخت واحدهای مسکونی ارزان قیمت ویژه کم‌درآمدهای شهری، سیاست بسیاری از کشورهایی قرار گرفت که با پدیده اسکان غیررسمی مواجه بودند (صرافی، ۱۳۸۱: ۸). متأسفانه این الگو نیز موفقیت چندانی کسب نکرد. این برنامه به عللی همچون هزینه بالا، ناهمخوانی با سبک زندگی ساکنان، نداشتن توان پرداخت اقساط از سوی فقرا، مکان‌یابی نامطلوب و واگذاری این مسکن‌ها به گروه‌های پردرآمدتر، اثرگذاری چشمگیری نداشت (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۶۱). در پی بروز مشکلات ذکرشده در راهبرد خانه‌سازی اجتماعی، سیاست ارائه زمین و خدمات اتخاذ شد. این روش، مزایای بسیاری نسبت به خانه‌سازی اجتماعی داشت. نخست، خانوارهای بیشتری زیر پوشش قرار گرفتند و تطابق و انعطاف بیشتری در ساخت‌وساز به وجود آمد. دوم، ساخت‌وسازها با توجه به توانایی مالی افراد صورت می‌گرفت. در این رویکرد، دولت زمین آماده را در اختیار قشرهای کم‌درآمد و فقیر جامعه قرار می‌داد، زمین‌ها طرح و نقشه‌های کاربری داشتند، امکان ساخت خودیار و تدریجی به موازات بهبود وضعیت اقتصادی خانوار فراهم است، سرمایه‌گذاری سرانه‌ای دولت نیز کاهش می‌یابد و تعداد خانوار بیشتری مشمول برنامه حمایتی می‌شوند (صرافی، ۱۳۸۱: ۷). فاصله مکان سکونت از محل کار، کمبود منابع مالی و نبود فعالیت‌های درآمدزا، به درازا کشیدن ساخت، جابه‌جایی ساکنان بانفوذ و تضعیف مشارکت محلی، نبود انسجام اجتماعی از جمله مشکلات این طرح بود (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۶۲). از دیدگاه‌های دیگر در برخورد با این نوع اسکان، به دیدگاه خنثی و منفعل

ساکن‌اند؛ ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه خویش جدا می‌کند و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند» (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۵). از جمله علل شکل‌گیری اسکان غیررسمی عبارت‌اند از رشد شتابان جمعیت، تمرکز امکانات در شهرهای بزرگ و توزیع ناعادلانه موقعیت شغلی و ثروت (علیزاده اقدام و ربانی، ۱۳۹۲: ۸۸)، کمبود زمین مناسب با قیمت معقول در بازار رسمی زمین، فقر شهری و هزینه‌های سنگین در شهرها، نبودن نظام یکپارچه مدیریت توسعه شهری (صالحی امیری و خدائی، ۱۳۹۰: ۱۹۸)، کنترل ناکافی واحدهای حکومتی بر ساخت‌وسازها و حفاظت‌نکردن از اراضی داخل و خارج شهرها (مهاجرین، ۱۳۸۷: ۴۷). این بافت با ویژگی‌هایی همچون چهره نامطلوب شهری، تراکم زیاد جمعیت، نبود شغل مناسب و درآمد کافی، وجود خرده فرهنگ‌های خاص و کژروی‌های اجتماعی مانند جرم، جنایت، فقر، نبود امکانات اساسی، پایین بودن سطح بهداشت، مسکن غیراستاندارد و تصرف غیرقانونی ملک روبه‌رو هستند؛ بنابراین، بافت غیررسمی و پیامدهای نامطلوب آن و همچنین، شرایط نامساعد زندگی در این سکونتگاهها، برنامه‌ریزان شهری و مسئولان اجرایی را ملزم می‌کند هرچه سریع‌تر با اتخاذ تدابیر صحیح و عملی به رویارویی با این پدیده بپردازند. براساس نظریات ارائه‌شده در خصوص بافت غیررسمی، دیدگاه تخریب و برخورد قهرآمیز با این بافت، بیش از هر شیوه دیگری در سطح جهان به اجرا در آمده است (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۶۱). در واقع، این رهیافت صورت مسئله را پاک کرده است و به جابه‌جایی جغرافیایی مسائل باقی‌مانده توجه ندارد (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷۰). استمرار و تشدید مسئله بافت غیررسمی باعث شد سیاستمداران و برنامه‌ریزان شهری

دل‌پذیرتر برای زندگی شهروندان» (مشهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۸۶: ۳۸). برنامه‌ریزی شهری با آینده‌نگری خاصی که باید برای توسعه آینده شهر داشته باشد، با بهره‌گیری از آمار، اطلاعات و داشتن وضعیت موجود اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی شهر، تجزیه و تحلیل کرده و با به‌کارگیری امکانات و به حداقل رسانیدن محرومیت‌ها پیشنهادهایی ارائه کرده است (شیعه، ۱۳۸۵: ۱۰۳). از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی شهری، به ارتقای کیفیت زندگی شهری، جلب مشارکت مردم برای منافع جمعی، افزایش رفاه از طریق فراهم آوردن شرایط سرمایه‌گذاری، بهبود وضعیت امنیت شهروندان، ارتقای فرهنگ شهرنشینی، فراهم آوردن شرایط بالندگی افراد در جامعه شهری و بهبود روابط اجتماعی از طریق قانون‌مند و نظام‌مند کردن زندگی در شهرها می‌توان اشاره کرد (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۳: ۲۱). به دنبال تحولات گوناگونی که در شهرهای کشور به‌ویژه در دهه‌های اخیر به وقوع پیوست، ضرورت تهیه طرح‌های برنامه‌ریزی شهری احساس شد. طرح‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی شهری که در ایران تجربه شده‌اند، به ترتیب شامل طرح‌های جامع و تفصیلی شهری، نظریه عمومی سیستم‌ها، الگوی برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری و الگوی برنامه‌ریزی مشارکتی‌اند که هیچ‌کدام مولود دانش فنی و تجربی عملی جامعه حرفه‌ای شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری ایران نیستند. الگوی اولیه تمامی طرح‌های تهیه‌شده در ایران، برداشتی از الگوها و تجربیات کشورهای دیگری است که در بعضی از آنها کوشش شده است به آنها رنگ و بوی بومی داده شود. همچنین، بسیاری از انواع طرح‌های برنامه‌ریزی شهری که در ایران تهیه می‌شوند، در کشورهای مبدأ، منسوخ و از ردیف طرح‌های برنامه‌ریزی شهری خارج شده‌اند؛ بنابراین، گفتنی است

می‌توان اشاره کرد. این نگرش، اسکان غیررسمی را پدیده‌ای گذرا و میرنده تلقی می‌کند و از این‌رو خواهان رهاسازی آن به سازوکارهای بازار است و انتظار دارد با گذر زمان و دست‌یافتن به توسعه، دیگر اسکان غیررسمی وجود نداشته باشد (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷۰). این دیدگاه نیز همانند دیدگاه‌های دیگر با شکست مواجه شد. جدیدترین و مناسب‌ترین راه‌حل در ساماندهی اسکان غیررسمی، راهبرد توانمندسازی است. «راهبرد توانمندسازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبود در شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویت‌ها و نیازهایشان بهبود بخشند» (هادی‌زاده بزاز، ۱۳۸۲: ۳۷). در این روش، دولت‌ها به جای کمک‌های مستقیم و بلاعوض که شخصیت ساکنان و کرامت انسانی آنها را خدشه‌دار می‌کند، باید با ارتقای سطح آموزش و ایجاد مهارت‌های لازم و زمینه‌های اشتغال، بهبود سطح زندگی آنها را فراهم کنند (علیزاده اقدم و ربانی، ۱۳۹۲: ۲۲۰).

با وجود تمام مشکلات ذکر شده در خصوص بافت غیررسمی، یافتن راه‌حل‌های بهینه برای حل مسائل و مشکلات زیستی ساکنان امری اجتناب‌ناپذیر است. مسئله اصلی نحوه ساماندهی بافت غیررسمی به گونه‌ای است که شهرها بتوانند از فرصت‌های شهرنشینی بهره ببرند و از چالش‌های آن اجتناب کنند؛ به همین دلیل، داشتن الگوی برنامه‌ریزی شهری مناسب امری ضروری است که با استفاده از آن بتوان اقدامات مناسب با شرایط محلی اتخاذ کرد. «برنامه‌ریزی شهری عبارت است از کوشش اندیشمندانه و سیستماتیک برای به‌کارگیری منابع و امکانات به بهترین و باصرفه‌ترین شکل ممکن، به منظور ایجاد و نگهداری محیط سالم و

نهاد اتحادیه شهرها در کشورهای مختلف استفاده شد. در آغاز شکل‌گیری این طرح، مقوله کاهش فقر به‌ندرت محور توجه و تمرکز قرار می‌گرفت و کاهش فقر به‌عنوان یک هدف محتمل و با تأکید بر رقابت، قابلیت زیستی و نظام‌مندی مطرح بود؛ اما امروزه استراتژی توسعه شهری بیشتر بر کاهش فقر به‌خصوص در کشورهای جهان سوم تأکید ویژه‌ای دارد (خلیل‌آبادی، ۱۳۹۰: ۷۰). «استراتژی توسعه شهری عبارت است از فرایند تهیه چشم‌انداز بلندمدت آینده شهر، به‌صورتی که از آن یک برنامه عملیاتی کوتاه‌مدت استخراج شود. توجه اصلی استراتژی توسعه شهری بر تقویت اقتصاد رقابتی در راستای کاهش فقر و مسائل محیط‌زیست، بهبود ساختارهای شهری و زیرساخت‌ها و ساختارهای مالی معطوف است» (همان: ۶۹). استراتژی توسعه شهری، ابزاری جدید برای کمک به توسعه، برای پاسخ به تغییرات جزرومدی فراگیر جهانی، تسکین فقر شهری و توسعه اقتصاد محلی است (بانک جهانی، ۲۰۰۴). این استراتژی در جهت رشد عدالت اجتماعی در شهرها از طریق فرایند همکاری و مشارکت گسترده جامعه، برای ارتقای کیفیت زندگی کلیه شهروندان تلاش می‌کند (سازمان ائتلاف شهرها^۱، ۲۰۰۶: ۲۰).

استراتژی توسعه شهری، فرایندی پویاست که شهرها را برای باز تعریف مشکلات و فرصت‌هایشان، تنظیم یک چشم‌انداز مشترک برای شهر، راهبردهایی برای دستیابی به آن چشم‌انداز، اولویت‌بندی برنامه‌ها و پروژه‌ها، اولویت‌بندی تعیین منابع و پیش‌نیازهای آن و مشارکت در اجرای استراتژی‌ها و برنامه‌ها راهنمایی می‌کند (توکلی‌نیا و شالی، ۱۳۹۴: ۱۲۲). این استراتژی با تکیه بر سرمایه‌های درون جامعه شهری، مسائل و

این طرح‌ها در ایران دچار فرسایش محتوایی شده‌اند و پشتوانه علمی و اجرایی مطمئنی ندارند (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۳: ۸۲). طرح‌های جامع و تفصیلی که سند توسعه شهر در کشور ما محسوب می‌شوند، بیشتر نقش بازدارنده دارند و نقش هدایت‌کنندگی آنها بسیار کم‌رنگ است (کاردار و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۳). همچنین، این طرح‌ها تنها به جنبه کالبدی شهر توجه می‌کنند و سعی در رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر از طریق اقدامات فیزیکی و کالبدی دارند. طولانی‌بودن فرایند تهیه نقشه، نبود ملاحظات امکانات واقعی اجرایی، بلندپروازانه و غیرواقعی بودن، انعطاف‌پذیر نبودن و امکان‌نداشتن اصلاح آن و انطباق‌نداشتن با شرایط موجود در زمانی که سرعت تغییرات به‌تندی صورت می‌گیرد، عملاً کارکرد طرح‌های جامع را ساقط کرده است. در این طرح‌ها، کارشناسان و برنامه‌ریزان، نیاز شهروندان را شناسایی می‌کنند و شهروندان در امر برنامه‌ریزی مشارکت داده نمی‌شوند. حضورنداشتن و نبود رأی افراد ذی‌نفع در فرایند تهیه طرح و ارتباط‌نداشتن با مردم به‌ویژه در مراحل تصویب، بزرگ‌ترین مشکل طرح‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران است (کلهرنیا، ۱۳۸۷: ۳۰)؛ بنابراین، گذار از الگوی برنامه‌های جامع شهری به سمت استراتژی‌های توسعه شهری با توجه به خاصیت ترکیبی، انعطاف‌پذیر بودن و پویایی آن برای حل مسائل، مشکلات و سازگاری با تحولات آینده ضروری به نظر می‌رسد (سلیمی، ۱۳۸۶: ۲). در اواخر قرن بیستم، رهیافت استراتژی توسعه شهری برای حل مشکلات برنامه‌ریزی شهری مطرح شد. این رهیافت از سال ۱۹۹۸ با حمایت مستقیم بانک جهانی^۱، آغاز و سپس با همکاری نهادهای بین‌المللی دیگر و تشکیل

مشکلات آن را به شیوه‌ای سیستمی و سلسله‌مراتبی حل می‌کند (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). نکته ویژه درباره رویکرد CDS، توجه و تأکید بر اجرا است، نه تدوین سند به‌عنوان هدف غایی (حیدری چپانه و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۲). براساس این، CDS را نمی‌توان جایگزین طرح‌های شهری دانست؛ اما به‌عنوان مکمل و تقویت‌کننده این طرح‌ها می‌تواند نقش بالادستی را در تدوین استراتژی‌های شهری به عهده گیرد (ملکی، ۱۳۸۹: ۱). اهداف CDS که باید در تمامی مراحل تهیه و اجرای آن مدنظر باشد، شامل دستیابی به مدیریت و حاکمیت شهری بهبودیافته، دستیابی به رشد اقتصادی، اشتغال‌فزاینده و کاهش مداوم فقر است (زارع استخریجی و تاجیک، ۱۳۹۴: ۴). قابلیت زندگی، رقابت‌پذیری، حکمرانی خوب و بانک‌پذیری، چهار رکن اساسی استراتژی توسعه شهری‌اند. شهرهای رقابتی، اقتصاد قوی همراه با رشد اشتغال، درآمد و سرمایه‌گذاری همه‌جانبه دارند. در شهرهای رقابتی، تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و تجارت به شکل پویا و در ارتباط با فرصت‌های بازار شکل می‌گیرد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۷). شهر بانک‌پذیر، شهری است که سیستم مالیه شهری کارآمد در استفاده از منابع درآمدی و هزینه‌ای خود دارد. با توجه به تعریف بانک جهانی، شهری قابلیت زندگی دارد که در آن همه ساکنان برای مشارکت در زندگی اقتصادی و سیاسی و بهره‌مند شدن از آن، فرصت‌های منصفانه داشته باشند. قابلیت زندگی یک شهر به عوامل بسیاری در زمینه محیط شهری و کیفیت زندگی مرتبط است. در حقیقت، یک محیط شهری سرزنده و با قابلیت زندگی، ابعاد مختلفی دارد؛ از جمله دسترسی به خدمات پایه شهری، محیط زیست سالم، محیط امن، کاهش فقر، دسترسی به مسکن مناسب و ارزان و

دسترسی به امکانات فرهنگی و سایر امکانات و تسهیلات (بانک جهانی، ۲۰۰۰: ۳۱). مطالعات قابلیت زندگی، به شناسایی نواحی مسئله‌دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی، تأثیر فاکتورهای اجتماعی - جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و استراتژی‌ها کمک می‌کند (خادم‌الحسینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۲). همچنین، این مؤلفه به یک امکان اندازه‌گیری و ایجاد مقایسه در میان مکان‌های محلی، ملی و بین‌المللی تبدیل شده است و به‌طور فزاینده و مهمی به‌عنوان آزادی سیاسی استفاده می‌شود (حسنی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۷ به نقل از لامبیری، بیاگی و رویوالا، ۲۰۰۷: ۲). یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با کیفیت زندگی، یافتن معیارها و ترکیب شاخص‌های ارزیابی سطح و سنجش تغییرات کیفیت زندگی شهری است که در روند تکاملی خود به پیدایش دو دسته از شاخص‌های عینی (کمی) و ذهنی (کیفی) انجامیده است (علی‌اکبری و امینی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). شاخص‌های ذهنی به ادراک شخصی از کیفیت زندگی خود و اطرافیان توجه دارد و بیشتر مفهوم کیفی و نسبی است؛ از جمله میزان رضایت‌مندی از خدمات بهداشتی و درمانی شهری، میزان رضایت‌مندی از دسترسی به اشتغال، میزان رضایت‌مندی از امنیت شهری و میزان رضایت‌مندی از فضای سبز شهری (لطفی، ۱۳۸۸: ۷۵)؛ اما شاخص‌های عینی، مشاهده‌پذیر و قابل اندازه‌گیری‌اند و مفهومی کمی دارند، مانند تعداد بیمارستان‌های یک شهر، میزان بیکاری، تعداد وقوع جرم، میزان فضای سبز شهری و ... (خواجه‌شاهکوهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۴). در پژوهش حاضر، جنبه‌های مختلف قابلیت

زندگی براساس شاخص‌های پیشنهادشده بانک جهانی
بررسی شده‌اند که شامل جنبه‌های محیطی، اقتصادی،
اجتماعی، بهداشت، مشارکت و رضایت از دسترسی
به خدمات‌اند.

جدول ۱- شاخص‌های قابلیت زندگی

شاخص‌ها	متغیرها
رضایت از زیبایی محله، رضایت از پاکیزگی محله، رضایت از پوشش معابر، رضایت از عرض معابر محله، رضایت از جمع‌آوری (فاضلاب) آب‌های سطحی، رضایت از جمع‌آوری به‌موقع زباله‌های محله، رضایت از وضعیت ترافیک معابر محله، رضایت از تمیزی هوای محله، رضایت از امنیت و آسایش محله، احساس تعلق به محله، رضایت از روشنی معابر محله، رضایت از سروصدا در محله	کیفیت محیط محلی
رضایت از شغل، رضایت از درآمد و وضعیت اقتصادی خانواده، رضایت از هزینه‌های مرتبط با مسکن، رضایت از وضعیت مسکن	کیفیت مؤلفه‌های اقتصادی
میزان مشارکت همسایه‌ها در امور مشترک، میزان ارتباط با همسایه‌ها، میزان رضایت از ارتباط با همسایه‌ها	کیفیت روابط اجتماعی
احساس شادمانی و امیدواری به آینده، رضایت از وضعیت سلامتی	سلامتی (بهداشت)
رسیدگی مسئولان شهری به خواسته‌ها و شکایات ساکنان، مشارکت داده شدن ساکنان توسط مسئولان شهر در تصمیمات گرفته‌شده برای محله	مشارکت در امور شهر
رضایت از دسترسی به خدمات محله، رضایت از کیفیت خدمات محله، رضایت از دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، رضایت از کیفیت حمل‌ونقل عمومی، رضایت از دسترسی به مراکز آموزشی، رضایت از کیفیت مراکز آموزشی، رضایت از دسترسی به مراکز بهداشتی - درمانی، رضایت از دسترسی به مراکز فرهنگی - هنری، رضایت از کیفیت مراکز فرهنگی - هنری، رضایت از دسترسی به مراکز خرید و فروشگاه‌ها، رضایت از کیفیت مراکز خرید و فروشگاه‌ها، رضایت از دسترسی به مراکز ورزشی، رضایت از کیفیت مراکز ورزشی، رضایت از دسترسی به فضای سبز، رضایت از کیفیت فضای سبز	رضایت از دسترسی و کیفیت

منبع: میرزایی خوندایی، ۱۳۹۴

را از میان بردارد. همچنین، محیطی را ایجاد کند که سازمان‌های مدنی، بخش بازرگانی، شهروندان و دیگر نهادها، وجود خود را مالک روند توسعه و مدیریت بخش‌ها بدانند (تابلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳). حکمرانی خوب، در بوروکراسی شفاف، پاسخگویی

حکمرانی خوب، راهکارها، فرایندها و نهادهایی را شامل می‌شود که با آنها، شهروندان و گروه‌ها به منافع و حقوق قانونی و نیز انجام تعهدات خود دست یابند (تقوایی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). حکمرانی خوب را می‌توان روند یا هدفی دانست که فقر، ناامنی و تبعیض

«به‌خوبی حکمرانی و مدیریت شوند» و از نظر مالی، پایدار یا «بانک‌پذیر» باشند (بانک جهانی، ۲۰۰۰).

در زمینه موضوعات بافت غیررسمی و استراتژی توسعه شهری، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره شده است. در ادامه تلاش می‌شود خلاصه‌ای از پژوهش‌هایی ارائه شود که در ارتباط نزدیک با هدف مقاله‌اند. لازم به توضیح است در بررسی پیشینه مطالعات، سه جنبه مطالعه، یعنی استراتژی توسعه شهری، بافت غیررسمی و شهر بوشهر مدنظر بوده است و به ندرت مطالعه‌ای در دسترس بود که حداقل دو جنبه از سه جنبه را پوشش دهد.

برای مثال، تقوایی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با موضوع «استراتژی توسعه شهری با تأکید بر توانمندسازی محلات شهری (مطالعه موردی محله اکبرآباد یزد)»، جنبه مشارکتی طرح استراتژی توسعه شهری و توجه این راهبرد به محله محوری را بررسی کرده‌اند. آنها معتقدند توانمندسازی، برنامه حل مسئله از درون‌بر پایه توسعه درون‌زای محلی است؛ به نحوی که الگوهایی از توسعه درون‌زای محلی شکل گرفته است که به سایر اجتماعات می‌تواند تعمیم داده شود. در ادامه پس از ذکر مشکلات محله اکبرآباد یزد، با استفاده از استراتژی توسعه شهری، نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای این محله را در قالب مدل (SWOT)^۱ ارزیابی و تحلیل می‌کنند.

زارع استخریجی و تاجیک (۱۳۹۴) در پژوهشی با موضوع «تدوین برنامه راهبردی توسعه شهر فیروزکوه با استفاده از روش تلفیق AHP و SWOT»، پس از بررسی نظرات مردم و کارشناسان، از نقاط قوت و ضعف شهر فیروزکوه آگاهی یافته‌اند و جدول

نظام مدیریت شهری در قبال فعالیت‌های خود، مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، به‌طور عام و امور شهری به‌طور خاص متبلور می‌یابد (بانک جهانی، ۲۰۰۷: ۱۵). استراتژی توسعه شهری معتقد است حکمرانی خوب شهری، عامل کلیدی برای رشد و توسعه شهر است؛ بر همین اساس، این رویکرد به موضوعاتی مانند تمرکززدایی، قدرت مالی شهرداری، محیط زیست، شفافیت و پاسخگویی، فقر، حاشیه‌نشینی و مدیریت شهری توجه می‌کند (خلیل‌آبادی، ۱۳۹۰: ۸۱). عناصر حکمرانی خوب شهری عبارت‌اند از حساب پس‌دهی، شفافیت و اصل رقابت (اشرفی، ۱۳۸۸: ۹۸).

همچنین، ارکان حکمرانی خوب در یک شهر عبارت‌اند از بخش عمومی و دولتی که وظیفه هدایت و برقراری حاکمیت قانون را بر عهده دارد، بخش خصوصی که وظیفه ایجاد اشتغال، درآمد، تولید، تجارت و کسب و کار را عهده‌دار است، جامعه مدنی که فراهم‌کننده فرصت ابراز وجود مردم و شهروندان است و سازمان‌های محلی که وظیفه بسیج، سازمان‌دهی و اعمال فرهنگ‌های بومی را بر عهده دارند (تابلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴).

به شهرهایی که این چهار رکن را داشته باشد، شهرهای پایدار گفته می‌شود. به عبارتی اگر شهرها خواهان افزایش رفاه ساکنان و شهروندان خود هستند، باید در چهار وجه پایدار و اصولی باشند: نخست و پیش‌تر از همه آنها باید «قابل زندگی» باشند که به عنوان تضمین سطح پذیرفتنی از کیفیت زندگی و دسترسی همه ساکنان به فرصت‌های برابر تعریف شده است. همچنین، آنها باید مولد و «رقابت‌پذیر» باشند،

اجتماع و شهرداری برای حل چالش‌های شهری می‌داند. این پژوهش، مبحث فقر شهری و تعامل جامعه شهری در ارائه خدمات شهری (آب، بهداشت، امنیت و جاده‌ها) را نشان می‌دهد که تغییر نگرش شهرداری نسبت به فقر شهری را به دنبال دارد. او به این نتیجه می‌رسد که پایداری وضعیت زاغه‌ها در پهنه شهر، به مداخله فعال مدیران شهری نیازمند است.

خلیفه^۲ (۲۰۱۱) در پژوهش خود با موضوع «تعریف مجدد بافت غیررسمی در مصر: مناطق برنامه‌ریزی نشده و ناامن»، آنچه زاغه یا بافت غیررسمی نامیده می‌شود را با دو عبارت «مناطق برنامه‌ریزی نشده» و «مناطق ناامن» جایگذاری کرده است. او در مطالعه خود، به شناسایی اولویت‌های مداخله و تنظیم کردن سیاست‌ها و استراتژی‌ها برای بهبود شرایط بافت غیررسمی و زندگی ساکنان آن توجه کرده است. در این مقاله، برای نخستین بار مناطق ناامن و برنامه‌ریزی نشده در تمام مراکز شهری مصر شناسایی شده‌اند و آنها را براساس میزان خطری طبقه‌بندی کرده است که به زندگی ساکنان اعمال می‌کنند. نتیجه مطالعه او نشان می‌دهد مناطق ناامنی که به توجه و رسیدگی بیشتری نیاز دارند، شامل ۱/۱ میلیون ساکن است.

اوزون و کته^۳ (۲۰۰۴) در پژوهشی با موضوع «یک مدل برای حل موضوع بافت غیررسمی در کشورهای در حال توسعه»، معتقدند یکی از مشکلات اساسی شهری در کشورهای در حال توسعه، حل و فصل غیرقانونی است. در ترکیه، شهرک‌های غیرقانونی در سال ۱۹۵۰ با مهاجرت از شهرها به مناطق روستایی آغاز شده است. نویسندگان مقاله،

SWOT را طراحی و سپس براساس نتایج SWOT، محورهای اصلی اولویت‌دار پتانسیل‌های شهر و چشم‌انداز آن را مشخص کرده‌اند. در ادامه، به منظور تحقق چشم‌انداز، راهبردهایی برای طرح، ارائه و سپس برای اولویت‌بندی این راهبردها از مدل AHP استفاده کرده‌اند که براساس روش SWOT شاخص‌بندی شده‌اند. پس از اولویت‌بندی راهبردها، برنامه‌های عملی را ارائه کرده‌اند.

توکلی‌نیا و شالی (۱۳۹۴) در پژوهشی با موضوع «امکان‌سنجی راهبرد توسعه شهر (CDS) در توانمندسازی و ساماندهی بافت غیررسمی منطقه یک تبریز»، پدیده اسکان غیررسمی را حاصل کاستی‌های برنامه‌ریزی شهری و مسکن، شهروندزدایی و توجه نداشتن به نیازهای اجتماعی و اقتصادی گروه‌های کم‌درآمد در طرح‌های توسعه شهری می‌داند. آنها نتیجه گرفتند راهبرد توسعه شهر در مقایسه با سایر رویکردها، به دلیل ماهیت مشارکتی و رویکرد مبتنی بر اجتماعات محلی برای توانمندسازی و ساماندهی بافت غیررسمی منطقه یک شهر تبریز تأیید شده است و با استفاده از فرایند راهبرد توسعه شهر، با بررسی وضع موجود و تهیه ماتریس ارزیابی عوامل خارجی و داخلی، به تنظیم چشم‌انداز منطقه توجه کرده‌اند.

موجادنیکا^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود با موضوع «توسعه حاشیه‌نشینی و حکومت شهری در هراره، زیمباوه: چشم‌اندازی جدید برای فقر شهری»، چگونگی ارتقای وضعیت حاشیه‌نشینان شهر هراره و زیمباوه را از طریق حکومت شهری آن بررسی کرده است. او هدف مطالعه خود را چگونگی ایجاد برنامه توسعه و ارتقای حاشیه‌نشینی در هراره و مشارکت

2. Khalifa
3. Uzun & Cete

1. Muchadenyika

شاخص‌ها، کارشناسان اداره راه و شهرسازی استان بوشهر، شهرداری بوشهر و کارشناسان دفتر عمران شهری استانداری بوشهر بوده‌اند. به منظور کسب نظرات کارشناسان، انتخاب نمونه از میان آنها به روش غیرتصادفی، انجام و تعداد ۷ پرسشنامه توزیع شد. زمان توزیع و تکمیل پرسشنامه‌ها، به مدت یک ماه از نیمه تیرماه تا نیمه مردادماه سال ۱۳۹۶ بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده شده است. در این پژوهش از نرم‌افزار EXPERT CHOICE استفاده شده است.

محدوده و قلمرو پژوهش: قلمرو مکانی

پژوهش، بافت غیررسمی شهر بوشهر است. از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۵ شهر بوشهر رشد آرامی را تجربه کرد. توسعه کالبدی شهر بوشهر در این دوره به صورت بسیار کند جریان داشته است. محله‌های هفتگانه که از جمله بافت‌های مسئله‌دار در بوشهر کنونی به شمار می‌آیند، در این دوره با جمعیتی کاملاً بومی به‌عنوان روستاهای با فاصله نسبتاً دور از شهر حضور داشتند. از سال ۱۳۳۶ به بعد، شهر رشد آرام خود را در حوزه‌های جنوبی آغاز کرد. در سال ۱۳۳۵، پایگاه‌های نظامی توسعه یافتند. محاصره شدن شهر با اراضی نظامی به تدریج توسعه شهر در آن سوی این اراضی را سبب شد. از سال ۱۳۵۷ به بعد، توسعه شهر رشد شتابانی به خود گرفت. وقوع انقلاب، مهاجرت دسته‌جمعی گروه‌های جنگ‌زده را به بوشهر موجب شد. پایگاه‌های نیروی هوایی و دریایی در جنوب و شرق، همچون سد نفوذناپذیر، توسعه پایدار شهر را غیرممکن کرده بودند و محدودیت شدید زمین را موجب شدند؛ بنابراین، شهر برای توسعه فیزیکی خود، گزینه‌ای به جز زمین‌های آن سوی این پایگاه‌ها

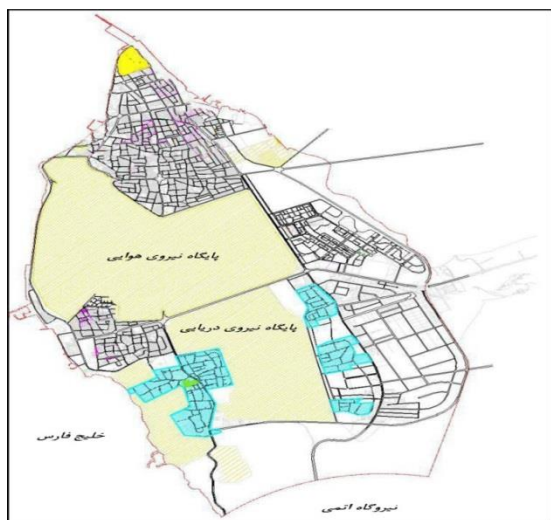
علل اصلی پدیده مهاجرت را تقسیم زمین‌های کشاورزی، نبود خدمات عمومی شهری (آموزش، بهداشت، فرهنگ و ...) در مناطق روستایی و فرصت‌های شغلی در مناطق شهری می‌دانند. به بیان آنها، بیشتر این سکونتگاه‌ها، زیرساخت‌های اساسی شهری ندارند و غیر آپارتمان‌اند که باید آپارتمان‌های چند واحدی ساخته شوند. با رویکرد پیشنهادی، حق داشتن یک واحد به صاحبان زاغه‌ها در شرایط خاص داده خواهد شد. مجریان این سازوکار، شهرداری‌ها، توسعه‌دهندگان زمین و صاحبان این سکونتگاه‌ها هستند. چنین سیستمی، نواحی شهری را به شهرک‌های مدرن شهری تبدیل می‌کند.

در این پژوهش سعی خواهد شد ضمن استفاده از نتایج پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، وضعیت بافت غیررسمی شهر بوشهر بررسی شود که شامل هفت محله تنگک اول، تنگک دوم، تنگک سوم، ریشهر، امامزاده، سرتل و رایانی است و اولویت این محله‌ها برای ساماندهی آنها با روش (AHP) و با تأکید بر رویکرد استراتژی توسعه شهری (CDS) تعیین شود.

روش پژوهش

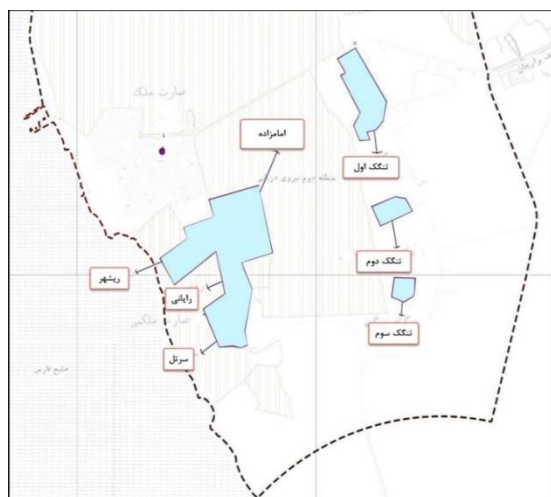
این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش، از نوع مطالعات تحلیلی - توصیفی است. در این پژوهش، اولویت محله‌های بافت غیررسمی شهر بوشهر برای ساماندهی با تأکید بر دو شاخص قابلیت زندگی و حکمرانی خوب تعیین شده‌اند. به این منظور، داده‌های لازم برای تعیین اولویت، به روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و نیز به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. جامعه خبرگان برای تعیین ضرایب اهمیت

می‌شوند، شبکه‌های ارتباطی با عرض‌های پر پیچ و خم در حال شکل‌گیری‌اند، ساخت‌وسازها عمدتاً خارج از ضوابط صورت می‌گیرد و استفاده غیرمجاز از شبکه آب و برق رایج است (وزارت راه و شهرسازی استان بوشهر، ۱۳۸۶).



شکل ۱- نقشه شهر بوشهر

منبع: وزارت راه و شهرسازی استان بوشهر، ۱۳۸۶



شکل ۲- نقشه بافت غیررسمی شهر بوشهر

منبع: وزارت راه و شهرسازی استان بوشهر، ۱۳۸۶

نداشت و به این ترتیب، توسعه منفصل شهر در حوزه روستاهای اطراف شکل گرفت. در این مناطق، تعدادی مراکز اداری و دولتی همچون دانشگاه سراسری و بیمارستان تأمین اجتماعی ایجاد شدند که این مراکز مطلوبیت منطقه برای ساخت‌وساز مسکونی را برای قشر با درآمد متوسط بالا برد. این مناطق به دلیل قیمت پایینشان، درخور توجه کم درآمدها قرار گرفتند. سایر علل ایجاد مطلوبیت و جاذبه برای مهاجرت به شهر بوشهر و به دنبال آن، سکنی‌گزیدن در این سکونتگاه‌ها، وجود شرکت‌های بزرگ مانند نیروگاه اتمی، کشتی‌سازی، امور بندری و صنایع نفت و گازند.

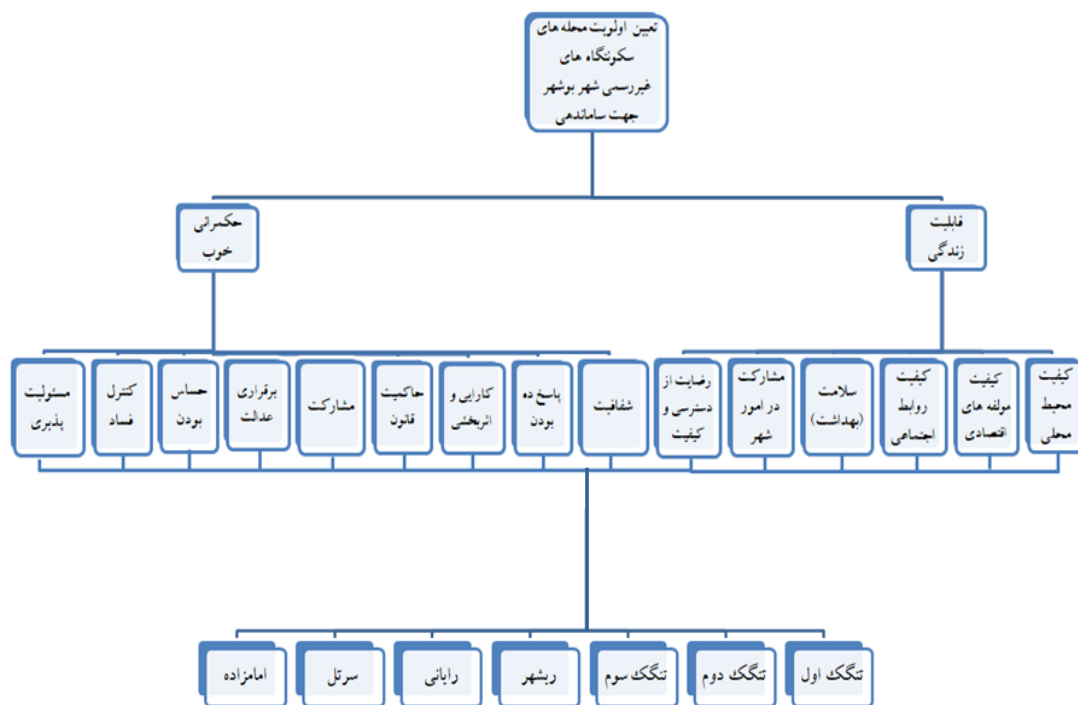
مساحت بافت غیررسمی شهر بوشهر براساس اطلاعات سازمان راه و شهرسازی استان بوشهر برابر ۴۵۵ هکتار است. این پهنه در حریم ۵ تا ۱۰ کیلومتری نیروگاه اتمی بوشهر واقع شده و شامل محله‌های تنگک صفری (تنگک اول)، تنگک جعفری (تنگک دوم) و تنگک زنگنه (تنگک سوم) در شرق منطقه دوم نیروی دریایی و محله‌های امامزاده، ریشهر، رایانی و سرتل در غرب منطقه دوم نیروی دریایی است.

براساس ضوابط مربوط به نیروگاه اتمی، توسعه سکونتگاه‌ها در حریم ۵ تا ۱۰ کیلومتری نیروگاه اتمی منع شده است؛ اما در دو دهه اخیر، به دلیل محدودیت‌های توسعه در نیمه شمالی و ارزان بودن زمین، شهروندان و مهاجران فقیر متوجه روستاهای این منطقه شده‌اند. اینگونه محله‌ها به دلیل نداشتن طرح و نقشه از پیش تعیین شده، عموماً بدون برنامه جامع برای خدمات‌رسانی به‌ویژه در حوزه خدمات زیربنایی‌اند. در محله‌های هفتگانه، قطعات مسکونی سند مالکیت رسمی ندارند، زمین‌ها بدون توجه به ضوابط و مقررات طرح‌های توسعه شهری تفکیک

بحث و ارائه یافته‌ها

سطح دارد. سطح اول هدف مسئله، سطح دوم شاخص‌ها و سطح سوم گزینه‌ها است. در پژوهش حاضر، هدف مسئله تعیین اولویت در ساماندهی بافت غیررسمی شهر بوشهر است. سطح دوم، شاخص‌های پژوهش شامل شاخص قابلیت زندگی و حکمرانی خوب است که هر کدام از این شاخص‌های اصلی، تعدادی زیرشاخص فرعی دارند. سطح سوم، گزینه‌های پژوهش است که محله‌های هفتگانه بافت غیررسمی شهر بوشهرند؛ بنابراین، پرسشنامه برای تعیین ضرایب اهمیت شاخص قابلیت زندگی و حکمرانی خوب براساس روش AHP تنظیم شده است. پرسشنامه استفاده شده در اینجا، برای مقایسه دویه‌دوی شاخص‌ها است. به این صورت که ابتدا شاخص‌های اصلی قابلیت زندگی و حکمرانی خوب به صورت دویه‌دو به منظور شناسایی اولویت شاخص‌ها برای رسیدگی به بافت غیررسمی شهر بوشهر مقایسه شده‌اند. در مراحل بعدی، زیرشاخص‌های هر کدام از این شاخص‌ها جداگانه، به صورت دویه‌دو مقایسه شده‌اند تا از این طریق بین شاخص‌های کیفیت محیط محلی، کیفیت مؤلفه‌های اقتصادی، کیفیت روابط اجتماعی، سلامت، مشارکت در امور شهر و رضایت از دسترسی و کیفیت، مهم‌ترین شاخص قابلیت زندگی برای ساماندهی و بین شاخص‌های شفافیت، مشارکت، پاسخ‌ده بودن، مسئولیت‌پذیری، برقراری عدالت، حاکمیت قانون، حساس بودن، کارایی و اثربخشی و کنترل فساد، مهم‌ترین شاخص حکمرانی خوب برای ساماندهی شناسایی شوند. در ادامه، درخت سلسله‌مراتبی پژوهش آمده است.

در این پژوهش به منظور تعیین اولویت محله‌های غیررسمی شهر بوشهر برای ساماندهی آنها، از روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه استفاده شده است. در این مدل‌ها، تصمیم‌گیرنده قصد دارد با توجه به هدف مدنظر در مسئله که در حقیقت همان خواسته‌ها و تمایلات نهایی تصمیم‌گیرندگان است و با توجه به شاخص‌های پیش رو، بهترین گزینه‌ها را از میان گزینه‌های موجود انتخاب کند. یکی از مناسب‌ترین روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه، روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) است. توماس ال ساعتی^۱ این روش را برای نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ مطرح کرد. از ویژگی‌های جالب این روش، این است که این امکان را به تصمیم‌گیرنده می‌دهد تا او بتواند قضاوت‌های شخصی و تجربیات خویش را علاوه بر اهداف مسئله در فرایند حل مسئله تصمیم‌گیری دخالت دهد. این روش به گونه‌ای طراحی شده است که با آن می‌توان مسائل بزرگ و پیچیده را به مسائل کوچک‌تر تقسیم کرد و امکان ساده‌تر کردن حل و فهم مسئله را فراهم آورد. با توجه به اینکه ماتریس تصمیم‌گیری در دسترس نیست و لازم است مقایسه‌های زوجی صورت گیرد و همچنین، شاخص‌های شناسایی شده ماهیت مستقل از یکدیگر دارند، نه شبکه‌ای، در اینجا روش AHP در میان روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری چندشاخصه، روش مناسب برای تعیین اولویت‌ها خواهد بود (اکبری و زاهدانی کیوان، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۱۲). به منظور استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی، ابتدا مسئله تصمیم‌گیری مدنظر، در قالب نمودار درختی ترسیم می‌شود. درخت سلسله‌مراتبی AHP به‌طور معمول سه



شکل ۳- نمودار درختی پژوهش

حال با توجه به نظرات کارشناسان با تجربه و درگیر با موضوع پژوهش، براساس مراحل فرایند AHP، وزن های نسبی شاخص ها و گزینه ها (محلها) نسبت به هر کدام از شاخص ها به دست آمده است.

تلفیق پرسشنامه ها: پس از ثبت پاسخ های کارشناسان، عملیات ترکیب جدول های مقایسه ای کارشناسان آغاز می شود. روش AHP برای این منظور از میانگین هندسی بهره برده است. در روش AHP از تمامی داده های به دست آمده درباره شاخص ها و نیز درباره مقایسه های زوجی گزینه ها در برابر شاخص ها، میانگین هندسی گرفته می شود تا فقط یک پرسشنامه مقایسه زوجی به دست آید که میانگینی از همه پرسشنامه های مقایسه زوجی است. برای این نوع میانگین، تمامی داده ها در هم ضرب شده اند و سپس از آنها ریشه nام گرفته می شود که n نشان دهنده تعداد اعداد است. دستور میانگین هندسی با در نظر گرفتن وزن نظر هر کدام از پرسش شونده گان به صورت زیر

محاسبه می شود:

$$A_{ij} = \left(\prod_{k=1}^7 [x_{ij}^k]^{w_k} \right)^{\frac{1}{7}} \quad (1)$$

K: اندیس مربوط به تعداد افراد پرسش شونده: ۷
 W_k: وزن هر فرد پرسش شونده است که در پژوهش حاضر، تمام کارشناسان وزن یکسان دارند.

x_{ij}^k : مقایسه های زوجی مربوط به پرسش شونده kام
سازگاری سیستم: فرایند تحلیل سلسله مراتبی در چهار فاز انجام می شود. فاز اول، ساختن سلسله مراتب، فاز دوم مقایسه های زوجی، فاز سوم محاسبه وزن ها و فاز چهارم بررسی سازگاری سیستم است.

پس از ادغام مقایسه های زوجی کارشناسان با احتساب وزن یکسان برای نظر هر کدام از کارشناسان از طریق میانگین هندسی، سازگاری سیستم بررسی شده است. سازگاری سیستم با ضریب تطابق (CR)^۱ بررسی می شود. طبق دستور «ساعتی»، ضریب تطابق باید کمتر

1. Consistency Ratio

به دست آمده نشان می‌دهند کلیه جداول مربوط به مقایسه‌های زوجی شاخص‌ها، زیرشاخص‌ها و گزینه‌ها نسبت به هر کدام از شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها سازگار است و به رفع ناسازگاری نیاز ندارد.

محاسبه وزن‌های نسبی و نهایی شاخص‌ها، زیرشاخص‌ها و گزینه‌ها

وزن نسبی شاخص‌ها: نتایج مربوط به وزن‌های نسبی شاخص‌های تعیین کننده اولویت محله‌های بافت غیررسمی شهر بوشهر در جدول (۳) ارائه شده‌اند.

از ۰/۱ باشد. در این مرحله، داده‌ها و نظرات کارشناسان وارد نرم‌افزار EXPERT CHOICE می‌شوند. در صورت وجود ناسازگاری در سیستم، با مراجعه به کارشناسان و تجدیدنظر در ترجیحات ارائه شده آنان، جدول سازگار می‌شود؛ چنانچه جداول سازگار باشند، به رفع ناسازگاری نیاز نیست؛ آنگاه نتایج مربوط به وزن‌های نسبی شاخص‌ها و گزینه‌ها نسبت به هر کدام از شاخص‌ها درخور اعتماد است.

ابتدا سازگاری سیستم درباره مقایسه‌های زوجی شاخص‌ها، زیرشاخص‌ها و سپس گزینه‌ها نسبت به هر کدام از شاخص‌ها بررسی می‌شود. نتایج

جدول ۲- وزن نسبی شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها

رتبه	وزن نسبی	زیرشاخص	رتبه	وزن نسبی	شاخص
۱	۰/۲۶۹	سلامت (بهداشت)	۱	۰/۸۰۲	قابلیت زندگی
۲	۰/۱۸۷	کیفیت مؤلفه‌های اقتصادی			
۳	۰/۱۶۲	رضایت از دسترسی و خدمات			
۴	۰/۱۵	کیفیت روابط اجتماعی			
۵	۰/۱۳۵	مشارکت در امور شهر			
۶	۰/۰۹۷	کیفیت محیط محلی			
۱	۰/۱۸۷	حاکمیت قانون	۲	۰/۱۹۸	حکمرانی خوب
۲	۰/۱۷۷	کنترل فساد			
۳	۰/۱۳۵	برقراری عدالت			
۴	۰/۱۲۱	کارایی و اثربخشی			
۵	۰/۰۸۶	مسئولیت پذیری			
۶	۰/۰۸۴	مشارکت			
۷	۰/۰۷۶	پاسخ‌ده بودن			
۸	۰/۰۶۹	حساس بودن			
۹	۰/۰۶۵	شفافیت			

منبع: یافته‌های پژوهش

۰/۱۹۸ دارد؛ به این معنا که برای ساماندهی محله‌های بافت غیررسمی شهر بوشهر، توجه و رسیدگی به مسائل

شاخص قابلیت زندگی با وزن نسبی ۰/۸۰۲، اهمیت بیشتری نسبت به شاخص حکمرانی خوب با وزن نسبی

مرتبط با کیفیت زندگی ساکنان، همچون وضعیت بهداشت، مسکن، شغل و درآمد مناسب و ... اهمیت بیشتری دارند.

وزن نسبی زیرشاخص‌های قابلیت زندگی و حکمرانی خوب، در مقابل شاخص‌ها آمده است. مهم‌ترین زیرشاخص مربوط به شاخص قابلیت زندگی در این بافت، سلامت (بهداشت) است و پس از آن، به ترتیب شاخص‌های کیفیت مؤلفه‌های اقتصادی، رضایت از دسترسی و کیفیت، کیفیت روابط اجتماعی، مشارکت در امور شهر و در آخر، شاخص کیفیت محیط محلی اهمیت دارند.

مهم‌ترین زیرشاخص مربوط به شاخص حکمرانی خوب، حاکمیت قانون و پس از آن، به ترتیب شاخص‌های کنترل فساد، برقراری عدالت، کارایی و اثربخشی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، پاسخ‌ده بودن، حساس بودن و در آخر، شاخص شفافیت قرار دارند.

وزن‌های نسبی گزینه‌ها نسبت به شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها: در این قسمت، اهمیت نسبی گزینه‌ها نسبت به هر کدام از شاخص‌های پژوهش بررسی شده‌اند. به منظور تحلیل دقیق‌تر، رتبه‌بندی گزینه‌ها نسبت به هر کدام از شاخص‌ها در جدول جداگانه ترسیم شده‌اند.

جدول ۳- رتبه‌بندی گزینه‌ها نسبت به شاخص قابلیت زندگی و زیر شاخص‌های آن

زیر شاخص													محل‌ها	
کیفیت محیط محلی		مشارکت در امور شهر		کیفیت روابط اجتماعی		رضایت از دسترسی و کیفیت		کیفیت مؤلفه اقتصادی		سلامت		قابلیت زندگی		
رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	رتبه		وزن نسبی
۵	۰/۰۴۸	۷	۰/۰۷۰	۵	۰/۰۵۹	۵	۰/۰۶۰	۷	۰/۰۴۰	۶	۰/۰۴۸	۶	۰/۰۵۴	ریشهر
۷	۰/۰۴۲	۶	۰/۰۷۲۰	۶	۰/۰۵۸	۶	۰/۰۴۹	۶	۰/۰۴۹	۷	۰/۰۴۴	۷	۰/۰۵۲	امامزاده
۶	۰/۰۴۶	۵	۰/۰۸۷	۷	۰/۰۵۷	۴	۰/۰۹۲	۵	۰/۰۶۴	۵	۰/۰۷۱	۵	۰/۰۷۲	رایانی
۴	۰/۰۷۷	۴	۰/۱۱۵	۴	۰/۱۱۹	۴	۰/۰۹۲	۴	۰/۱۰۷	۴	۰/۱۱۱	۴	۰/۱۰۶	سرتل
۳	۰/۱۷۶	۳	۰/۱۶۱	۳	۰/۱۷۲	۲	۰/۲۰۲	۳	۰/۱۸۴	۳	۰/۱۶۴	۳	۰/۱۷۶	تنگک اول
۲	۰/۲۱۴	۲	۰/۱۹۵	۲	۰/۱۷۶	۳	۰/۱۸۱	۲	۰/۱۸۷	۲	۰/۱۹۳	۲	۰/۱۸۹	تنگک دوم
۱	۰/۳۹۷	۱	۰/۳۰۱	۱	۰/۳۵۸	۱	۰/۳۲۳	۱	۰/۳۷۰	۱	۰/۳۷۰	۱	۰/۳۵۱	تنگک سوم

منبع: یافته‌های پژوهش

زندگی ترین محله در بین بافت غیررسمی شهر بوشهر است و محله امامزاده قابل زندگی ترین محله و شرایط زندگی در آن بالاتر از سایر محله‌های بافت غیررسمی شهر بوشهر است.

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، از نظر شاخص قابلیت زندگی و تمام زیرشاخص‌های آن، محله تنگک سوم در اولویت نخست برای ساماندهی قرار دارد. به عبارتی محله تنگک سوم، غیرقابل

جدول ۴- رتبه‌بندی گزینه‌ها نسبت به شاخص حکمرانی خوب و زیرشاخص‌های آن

رتبه	کارایی و اثربخشی		مسئولیت‌پذیری		مشارکت		شاخص حکمرانی خوب		محلله‌ها
	رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	
۱	۰/۲۹۹	۱	۰/۲۰۵	۱	۰/۲۴۳	۱	۰/۲۱۶	تنگک سوم	
۲	۰/۲۰۸	۲	۰/۱۸۴	۲	۰/۱۸۴	۲	۰/۱۸۲	تنگک دوم	
۳	۰/۱۷۸	۳	۰/۱۷۴	۳	۰/۱۷۷	۳	۰/۱۷۱	تنگک اول	
۴	۰/۱۲۱	۵	۰/۱۰۹	۴	۰/۱۴۰	۴	۰/۱۲۶	سرتل	
۵	۰/۰۸۰	۴	۰/۱۳۶	۵	۰/۰۹۳	۵	۰/۱۱۰	رایانی	
۷	۰/۰۵۵	۷	۰/۰۸۹	۶	۰/۰۸۲	۷	۰/۰۹۶	امامزاده	
۶	۰/۰۵۹	۶	۰/۱۰۲	۷	۰/۰۸۱	۶	۰/۱۰۰	ریشهر	

کنترل فساد		حساس بودن		حاکمیت قانون		برقراری عدالت		شفافیت		محلله‌ها
رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	رتبه	وزن نسبی	
۵	۰/۱۲۱	۶	۰/۰۶۸	۶	۰/۱۱۷	۶	۰/۱۰۲	۶	۰/۰۸۰	ریشه‌ها
۵	۰/۱۲۱	۷	۰/۰۵۷	۷	۰/۱۱۳	۷	۰/۰۹۹	۷	۰/۰۷۶	امامزاده
۵	۰/۱۲۱	۴	۰/۱۱۳	۵	۰/۱۲۰	۵	۰/۱۰۵	۵	۰/۰۸۸	رایانی
۴	۰/۱۴۲	۵	۰/۰۹۴	۴	۰/۱۲۳	۴	۰/۱۱۸	۴	۰/۱۳۲	سوق
۳	۰/۱۵۶	۳	۰/۱۹۲	۳	۰/۱۶۲	۳	۰/۱۷۹	۳	۰/۱۷۷	تنگک اول
۲	۰/۱۶۵	۲	۰/۲۰۹	۲	۰/۱۷۲	۲	۰/۱۹۰	۲	۰/۱۸۳	تنگک دوم
۱	۰/۱۷۴	۱	۰/۲۶۷	۱	۰/۱۹۳	۱	۰/۲۰۷	۱	۰/۲۶۴	تنگک سوم

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۵) ملاحظه می‌شود، از نظر شاخص حکمرانی خوب و تمام زیرشاخص‌های آن، محلله تنگک سوم در اولویت نخست برای ساماندهی

قرار دارد. همچنین، از نظر زیرشاخص‌های مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی، پاسخگو بودن، شفافیت، برقراری عدالت و حاکمیت قانون، محلله‌های

هریک از محله‌ها نسبت به مجموعه شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها محاسبه شده است و نتایج در جدول (۶) ارائه شده‌اند.

تنگک سوم، دوم، اول، سرتل، رایانی، ریشهر و امامزاده به ترتیب برای ساماندهی اولویت دارند.

اولویت نهایی گزینه‌ها نسبت به شاخص‌ها:

پس از آنکه وزن‌های نسبی شاخص‌ها و گزینه‌ها نسبت به هر کدام از شاخص‌ها به دست آمدند، وزن نهایی

جدول ۵- وزن نهایی گزینه‌ها نسبت به شاخص‌ها

رتبه	وزن نهایی	محله‌های بافت غیررسمی
۱	۰/۳۱۲	تنگک سوم
۲	۰/۱۸۷	تنگک دوم
۳	۰/۱۷۴	تنگک اول
۴	۰/۱۱۱	سرتل
۵	۰/۰۸۳	رایانی
۶	۰/۰۶۷	ریشهر
۷	۰/۰۶۵	امامزاده

منبع: یافته‌های پژوهش

زیرشاخص‌های کیفیت مؤلفه‌های اقتصادی، رضایت از دسترسی و کیفیت، کیفیت روابط اجتماعی، مشارکت در امور شهر و کیفیت محیط محلی به ترتیب بیشترین اولویت را برای ساماندهی بافت غیررسمی شهر بوشهر دارند؛ بنابراین، توجه ویژه به حوزه سلامت و ایجاد مراکز درمانی و درمانگاه‌ها و اعزام کارشناسان بهداشت برای رفع مشکلات بهداشتی ساکنان، امری ضروری است. پس از آن، رسیدگی به وضعیت اقتصادی خانوارهای این محله‌ها با ایجاد فرصت‌های اشتغال و کمک به اقشار کم‌درآمد و فقیر در ردیف دوم اقدامات لازم قرار دارند. ایجاد مجتمع‌هایی با کاربری تجاری برای ارائه خدمات بیشتر به ساکنان این محله‌ها، ایجاد فضای سبز و مراکز مختلف فرهنگی، ورزشی و آموزشی، ایجاد حس همدلی و مشارکت میان ساکنان هر یک از محله‌ها با

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، براساس نظر کارشناسان، محله‌های تنگک سوم، تنگک دوم، تنگک اول، سرتل، رایانی، ریشهر و امامزاده به ترتیب برای ساماندهی اولویت دارند.

نتیجه‌گیری

پس از تلفیق ترجیحات کارشناسان، میزان ناسازگاری جداول مقایسه زوجی شاخص‌ها، زیرشاخص‌ها و گزینه‌ها نسبت به هر یک از شاخص‌ها به دست آمد که این میزان کمتر از ۰/۱ بوده است؛ بنابراین، نتایج درخور اعتماد است و می‌توان به استخراج وزن‌های نسبی اقدام کرد. زیرشاخص سلامت (بهداشت) با وزن نسبی ۰/۲۶۹، مهم‌ترین زیرشاخص قابلیت زندگی برای ساماندهی بافت غیررسمی است و اولویت نخست را دارد. پس از آن،

ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۹). «مرور تجربه کوتاه مدت توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی نمونه شهر کرمانشاه»، **جغرافیا و توسعه**، دوره ۸، شماره ۲۰، ۵۹-۷۸.

تابلی، حمید و همکاران (۱۳۹۰). «فرایندهایی در راستای نیاز جامعه: مدیریت کارساز جامعه و ایده حکمرانی خوب»، **توسعه مدیریت**، شماره ۸۵، ۴۲-۴۵.

تقوایی، مسعود و همکاران (۱۳۹۴). «استراتژی توسعه شهری با تأکید بر توانمندسازی محلات شهری (مطالعه موردی محله اکبرآباد یزد)»، **آمایش جغرافیایی فضا**، دوره ۵، شماره ۱۵، ۱۲۹-۱۴۷.

توکل‌نی، جمیله و شالی، محمد (۱۳۹۴). «امکان‌سنجی راهبرد توسعه شهر (CDS) در توانمندسازی ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه یک کلان‌شهر تبریز»، **نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، دوره ۱۵، شماره ۳۶، ۱۱۷-۱۳۸.

حاتمی‌نژاد، حسین و همکاران (۱۳۹۳). «ارزیابی شاخص‌های استراتژی توسعه شهری (CDS) در شهر قزوین»، **کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری**، ۱۷-۱.

حسنی‌نژاد، آسیه و همکاران (۱۳۹۵). «ارزیابی و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در محلات شهری (مطالعه موردی حاجی‌آباد فارس)»، **جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای**، دوره ۱۴، شماره ۲۶، ۱۶۵-۱۸۴.

حیدری چیا، رحیم و همکاران (۱۳۹۱). «کاربرد استراتژی توسعه شهری (CDS) در بهبود سکونتگاههای غیررسمی (مطالعه موردی اراضی

برگزاری جلسه‌ها، گردهمایی‌های مختلف، ایجاد گروه‌های مذهبی، فرهنگی، ورزشی، فراهم آوردن راهکارهایی برای ایجاد مشارکت و همکاری میان مسئولان و ساکنان این محله‌ها، ساماندهی وضعیت محیطی این بافت با اقداماتی مانند بهسازی معابر و راه‌ها، ایجاد سیستم دفع فاضلاب مناسب و آب‌رسانی به این محله‌ها در ردیف‌های بعدی پیشنهادات برای ساماندهی این بافت قرار دارند.

زیرشاخص حاکمیت قانون با وزن نسبی ۰/۱۸۷، مهم‌ترین زیرشاخص حکمرانی خوب برای ساماندهی بافت غیررسمی است و رتبه نخست را دارد. پس از آن، زیرشاخص‌های کنترل فساد، برقراری عدالت، کارایی و اثربخشی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، پاسخ‌ده بودن، حساس بودن و شفافیت به ترتیب بیشترین اولویت را برای ساماندهی بافت غیررسمی شهر بوشهر دارند؛ بنابراین، افزایش نظارت سازمان‌های مردم‌نهاد بر عملکرد مدیران شهری یکی از راهکارهای عملی در این زمینه است؛ به طوری که ضمانت اجرا و قابلیت پیگرد از طریق مراجع قضایی را داشته باشد.

محله تنگک سوم با وزن ۰/۱۳۲، اولویت نخست را برای ساماندهی دارد. پس از آن، محله‌های تنگک دوم، تنگک اول، سرتل، رایانی، ریشهر و امامزاده به ترتیب برای ساماندهی اولویت دارند.

منابع

اکبری، نعمت‌الله و زاهدی کیوان، مهدی (۱۳۸۸). **کاربرد مدل‌های برنامه‌ریزی در اقتصاد و مدیریت**، اصفهان: جهاد دانشگاهی.

اشرفی، یوسف (۱۳۸۸). «رویکردی جدید در برنامه‌ریزی شهری در رویکردی تحلیلی»، **فصلنامه مدیریت شهری**، دوره ۷، شماره ۲۳، ۸۹-۱۰۵.

زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۶۹). **حاشیه‌نشینی**، شیراز: دانشگاه شیراز.

سلیمی، محمود (۱۳۸۶). «برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه شهر بانه با استفاده از مدل SWOT»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

شیعه، اسماعیل (۱۳۸۵). **مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری**، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

صالحی امیری، رضا و خدائی، زهرا (۱۳۹۰). **حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، چالش‌ها و پیامدها**، تهران: ققنوس.

صرافی، م. (۱۳۸۱). «به‌سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی - از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی»، **هفت شهر**، دوره ۱، شماره ۸، ۵-۱۱.

صرافی، مظفر (۱۳۸۲). «بازنگری ویژگی‌های اسکان خودانگیخته در ایران؛ در جستجوی راهکارهای توانمندسازی»، **در مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی**، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

علی‌اکبری، اسماعیل و امینی، مهدی (۱۳۸۹). «کیفیت زندگی شهری در ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۵)»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، دوره ۱۰، شماره ۳۶، ۱۴۸-۱۲۱.

علیزاده اقدم، محمدباقر و ربانی، رسول (۱۳۹۲). **حاشیه‌نشینی شهری**، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

وزارت راه و شهرسازی استان بوشهر و مهندسين مشاور فجر توسعه (۱۳۸۶). **طرح ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی و توانمندسازی اجتماعات بندر بوشهر با تأکید بر بهسازی شهری**.

دانشگاه علوم پزشکی تبریز؛ محله‌غازان داغی»، **پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، دوره ۳، شماره ۹، ۳۵-۵۶.

خادم‌الحسینی، احمد و همکاران (۱۳۸۹). «سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری (مطالعه موردی شهر نورآباد استان لرستان)»، **فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی**، دوره ۱، شماره ۳، ۴۵-۶۰.

خلیل‌آبادی، حسن (۱۳۹۰). **استراتژی توسعه شهری**، تهران: مهکامه.

خواجه شاهکوهی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۳). «ارزیابی و سنجش کیفیت زندگی و تأثیر آن بر مشارکت شهروندان در امور شهری (موردشناسی شهر مینودشت)»، **جغرافیا و آمایش شهری**، دوره ۴، شماره ۱۰، ۷۳-۸۶.

میرزایی خوندابی، فرزانه (۱۳۹۴). «تحلیل سطح قابلیت زندگی و بانک‌پذیری شهری در بافت فرسوده شهری با تأکید بر رویکرد CDS (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری و اقتصاد.

رهنمایی، محمدتقی و شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۸۳). **فرایند برنامه‌ریزی شهری ایران**، تهران: سمت.

زارع استخریجی، سمانه و تاجیک، سمیه (۱۳۹۴). «تدوین برنامه راهبردی توسعه شهر فیروزکوه با استفاده از روش تلفیق AHP و SWOT»، **هفتمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر راهبردهای توسعه شهری**، ۲۰-۱.

نقدی، اسدالله (۱۳۹۲). **حاشیه‌نشینی (تئوری‌ها، روش‌ها، مطالعات موردی)**، تهران: جامعه‌شناسان.

هادی‌زاده بزاز، مریم (۱۳۸۲). **حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان**، مشهد: شهرداری مشهد با همکاری نشر تیهو.

Cities Alliance. (2006). Annual Report. 20-29.

Khalifa, M. A. (2011). Redefining slums in Egypt: Unplanned versus unsafe areas, *Habitat International*, 35, 40-49.

Lambiri, D., Biagi, B., & Royuela, V. (2007). Quality urban economics of life in economic and literature. *Social in dicators research*, 84, 1-25.

Muchadenyika, D. (2015). Slum upgrading and inclusive Municipal governance in Harare, Zimbabwe: New perspectives for urban poor, *Habitat Intemotional*, 48, 1-10.

Uzun, B., & Cete, M. (2004). A model for solving informal settelment issues in developing countries, *Valuation and Environment*, 1-7.

Word Bank. (2000). Urban development strategy and city assistance program in East Asia. Retrieved from <http://www.citiesalliance.org/sites/citiesalliance.org/files/cds-east-asia-almecnikken%5B1%5D.pdf>.

World Bank. (2007). Governance Matters VI: Aggregate and Individual Governance Indicators, 1996-2006: Washington. Retrieved from <http://elibrary.worldbank.org/doi/pdf/10.1596/1813-9450-4280>.

World Bank. (2004). The World Bank office Beijing, urban/Environment Development Unit, city development strategy (CDS) in China.

قرخلو، مهدی و همکاران (۱۳۸۸). «تحلیل سطح پایداری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد شهر سنندج)»، **جغرافیای انسانی**، دوره ۴۲، شماره ۶۹، ۱۶-۱.

کاردار، سعید و همکاران (۱۳۸۸). «طرح استراتژی توسعه شهری (CDS)؛ رویکردی راهبردی و نوین در مدیریت، طراحی و برنامه‌ریزی شهری»، **فصلنامه راهبرد**، دوره ۱۸، شماره ۵۲، ۱۸۳-۱۹۹.

کلهرنیا، بیژن (۱۳۸۷). «مطالعات ارتقاء و توانمندسازی بافت‌های فقیرنشین، فرصتی برای تجدید حیات الگوهای مرسوم شهرسازی در ایران»، **هفت شهر**، دوره ۲، شماره ۲۳، ۳۹-۳۱.

لطفی، صدیقه (۱۳۸۸). «مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری»، **فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی**، دوره ۱، شماره ۴، ۸۰-۶۵.

مشهدی‌زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۸۶). **تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران**، تهران: دانشگاه علم و صنعت.

ملکی، جعفر (۱۳۸۹). «مقدمه‌ای بر راهبرد توسعه شهری (CDS)، مزایا و مشکلات»، **دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری**، ۱-۱۲.

مهاجرین، رضا (۱۳۸۷). **تأثیر حاشیه‌نشینی بر میزان بزهکاری در کلان‌شهرها**، تهران: جنگل.